

A Structural Semantic Study of the Term *Sayyi`ah* in the Holy Qur`ān

Fatemeh Eshghi *
Mohammad Ali Khavanin Zadeh **
Fatemeh Sadat Tahami ***

Received:14/07/2019

Accepted:20/02/2020

Abstract

Sayyi`ah is one of the terms most frequently used in the Qur`ān. It mostly studied in the semantic field of ‘disobedience of God’, while there are many other usages in the Qur`ān which have not been studied semantically yet, and the importance of its meaning has not been clarified. In this study, considering sense relations between *sayyi`ah* and other concepts used in the Qur`ān, including syntagmatic and paradigmatic relations, semantic fields of the term *sayyi`ah* has been analyzed by using a structural semantic method. Syntagmatic relations reveal that in the Qur`ān, *sayyi`ah* has been used in two different meanings: ‘evil deed resulting punishment’ and ‘unpleasant accident’. In the first semantic field, *sayyi`ah* has paradigmatic relation with ‘*dhanb*’ and ‘*munkar*’ as well as semantic opposition with ‘*ṣāliḥah*’, ‘*khayr*’ and ‘*birr*’. In the second semantic field, *sayyi`ah* has paradigmatic relation with ‘*adhāb*’ and ‘*sharr*’ as well as semantic opposition with ‘*ḥasanah*’, ‘*rahmah*’ and ‘*khayr*’.

Keywords: The Holy Qur`ān, *Sayyi`ah* (evil), *Sū`* (bad), Structural Semantics, Syntagmatic and paradigmatic relations.

* M.A. in Quran and Hadith Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) fh.eshghi@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran. Iran. alikhavanin@ut.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran. ftahami2002@gmail.com

معناشناسی ساختگرای مفهوم «سیئه» در قرآن کریم

فاطمه عشقی*

محمدعلی خوانینزاده**

فاطمه سادات تهامی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

«سیئه» از واژه‌های پربسامد قرآنی است که بیشتر در پیوند با حوزه معنایی «نافرمانی خدا» در نظر گرفته شده است حال آنکه کاربردهای فراوان دیگری هم در قرآن دارد که تاکنون با رویکرد جامع معناشناسانه بدان پرداخته نشده و جایگاه آن در نظام معنایی قرآن تبیین نگشته است. در این پژوهش از روش معناشناسی ساختگرا استفاده شده است و با بررسی روابط مفهومی «سیئه» با دیگر مفاهیم به کاررفته در قرآن اعم از روابط مفهومی ترکیبی (همنشینی) و بدلی (جاننشینی) به تحلیل معنایی این مفهوم و حوزه‌های معنایی آن پرداخته شده است. با توجه به روابط همنشینی روشن می‌شود که در قرآن «سیئه» در دو حوزه معنایی «عمل بد با پیامد عقاب» و «پیشامد ناخوشایند» به کار رفته است. بر محور جاننشینی، «سیئه» در حوزه معنایی اول با «ذنب»، «منکر»، «ظلم»، «فاحشه»، «خطیئه»، «فساد در زمین» و «کید» قرابت معنایی و با «حسنه»، «عمل صالح»، «خیر» و «بر» تقابل معنایی دارد؛ و در حوزه معنایی دوم با «عذاب»، «ضرر»، «مصیبه»، «هلاک»، «شر» و «خوف» قرابت معنایی دارد و در تقابل معنایی با واژه‌های «حسنه»، «رحمه» و «خیر» است. در نتیجه این پژوهش مهم‌ترین مؤلفه‌های معنایی «سیئه» در هر دو حوزه معنایی حاصل شده و تعریفی جامع از آن ارائه شده است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، سیئه، سوء، معناشناسی ساختگرا، روابط مفهومی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. fh.eshghi@gmail.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) alikhavanin@khu.ac.ir

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ftahami2002@gmail.com

طرح مسئله

قرآن کریم صراط مستقیم و برنامه هدایت است که تمسک بدان موجبات سعادت ابدی را فراهم می‌کند. آنچه برای فهم قرآن ضرورت دارد فهم واژه‌های آن است؛ چراکه میان کلمات و جملات قرآنی پیوستگی معنایی خاصی برقرار است و همگی از جانب خدا برای القای پیامی ویژه ترتیب یافته‌اند. معناشناسی یکی از راه‌های دستیابی به دقایق معنا و پی بردن به مقصود اصلی گوینده است. مطالعه معناشناسانه واژه‌های قرآن سبب می‌شود تا واژه موردنظر به روشی منسجم و نظام‌مند بررسی و مفهوم آن به‌طور دقیق و با احصای موارد مختلف کاربرد آن از قرآن استخراج گردد.

«سیئه» از واژه‌های پربسامد قرآنی است که به صورت‌های مختلف صرفی در بیش از ۱۰۰ آیه به‌کاررفته است اما تاکنون، باوجود تلاش‌های برخی فرهنگ‌نویسان، مفسران و عالمان، با رویکرد معناشناسی ساختگرا بررسی نشده است. در این نوشتار تلاش شده با بررسی روابط مفهومی «سیئه» با دیگر مفاهیم قرآنی، ضمن دستیابی به مهم‌ترین مؤلفه‌های معنایی جایگاه آن در نظام معنایی قرآن تبیین و از این رهگذر معنای این اصطلاح آشکار گردد. گفتنی است در این مقاله از ترجمه آیات قرآن خودداری شده است تا بدون پیش‌داوری بتوان معنای سیئه را بررسی نمود.

پیشینه پژوهش

هرچند درباره «سیئه» در فرهنگ‌ها و تفاسیر فراوان سخن‌رفته اما با رویکرد معناشناسی ساختگرا تاکنون بررسی نشده است. پژوهشگرانی همچون ایزوتسو (۱۳۷۸، ص ۶۶۵-۴۷۱) نیز هرچند از روش‌های معناشناختی بهره گرفته‌اند، بیشتر از منظر «نافرمانی خدا» بدان پرداخته‌اند که در برخی پژوهش‌های فارسی همچون «حوزه معنایی نام‌های گناه در قرآن کریم و نقد ترجمه‌های فارسی بر اساس آن» (رهنما، ۱۳۸۷) نیز مبنا قرار گرفته است. لذا تاکنون آنگونه که باید به معناشناسی «سیئه» پرداخته نشده است. با بررسی کاربردهای قرآنی روشن می‌شود که «سیئه» در قرآن در دو معنای متفاوت به‌کاررفته است که درخور توجهی ویژه به این اصطلاح قرآنی است.

۱. روش‌شناسی پژوهش

معناشناسی دانش مطالعه معناست (پالمر، ۱۳۹۱، ص ۱۳) و به سه شاخه فلسفی، منطقی و زبانی تقسیم می‌گردد. آن شاخه از معناشناسی که زیرمجموعه دانش زبان‌شناسی است و در این

پژوهش نیز به کارگرفته می‌شود، معناشناسی زبانی است که در آن، توجه معطوف به خود زبان است و با مطالعه معنا چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان کشف می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۲۸). سوسور پدر زبان‌شناسی نوین دو دیدگاه در زمانی و همزمانی را در مطالعه زبان مطرح کرده است (برای آگاهی اجمالی از دیدگاه وی، نک: کالر، ۱۳۹۰، ص ۳۸-۵۰). رویکرد همزمانی، مطالعه علمی و نظری معنای زبان در یک مقطع از زمان بدون مقایسه با مقطع زمانی دیگر و بدون توجه به تحول زبان است (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۹۹). در چنین شرایطی، هر زبانی در هر برشی از زمان به منزله یک نظام ارتباطی خودکفا و مستقل بررسی می‌شود (روبینز، ۱۳۷۸، ص ۴۱۸). منظور از یک مقطع از زمان نقطه‌ای بر محور زمان نیست بلکه محدوده زمانی کم‌وبیش طولانی‌ای است که در طی آن دگرگونی‌های پیش‌آمده در حداقل ممکن باقی مانده‌اند. این محدوده ممکن است ده سال، یک نسل یا حتی یک قرن باشد (سوسور، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶). آنچه در این نوع معناشناسی اهمیت دارد بررسی ساختگرایی روابط میان واژه‌هاست که بدان روابط مفهومی می‌گویند. در ادامه برخی از مهم‌ترین این روابط به‌اجمال تبیین می‌شود.

۱-۱. روابط مفهومی

ساخت واژگانی یک زبان را از منظر معنایی می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط مفهومی در نظر گرفت؛ مثل بافته‌ای که هر تار یا پودش را یک رابطه مفهومی تشکیل می‌دهد و بر روی هر گره‌اش یک‌واژه قرار گرفته است (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱-۱۵۲). این روابط را از آن جهت «مفهومی» نامیده‌اند که در محدوده دلالت مفهومی یعنی رابطه مفاهیم نسبت به یکدیگر در نظام زبان بررسی می‌شوند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱).

۱-۱-۱. روابط مفهومی بدلی: روابط جانشینی

روابط مفهومی بدلی میان اعضای یک مقوله دستوری و با جایگزینی آنها با یکدیگر طرح می‌شوند (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۸۶). رابطه جانشینی رابطه بین واحدهایی است که روی محوری عمودی قرار می‌گیرند و همدیگر را نفی و طرد می‌کنند؛ به جای هم می‌آیند و معنای جمله را تغییر می‌دهند (باقری، ۱۳۷۷، ص ۴۵؛ نک: بی‌پروش، ۱۳۵۵، ص ۳۱). برای نمونه:

«إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا...» (آل عمران: ۱۲۰)

«إِنْ تُصِيبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكَ مُصِيبَةٌ يَفُؤْلُوا فَدَأْخَدْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ...» (التوبه: ۵۰)

با مقایسه فراز نخست از آیات فوق، که ساختاری کاملاً یکسان دارند، روشن می‌شود دو فعل «تَمَسَّسَ» و «تُصِيبَ» (در واقع دو مفهوم «مس» و «إصابة» که در باهم‌آیی با «حسنه»

به‌کاررفته‌اند) در رابطه جاننشینی‌اند. از فراز دوم آیات نیز چنین برمی‌آید که دو اسم «سینه» و «مصیبه» (که هر دو فاعل فعل «نُصِبَ» قرار گرفته‌اند) در این دو آیه جانشین یکدیگر شده‌اند. روابط مفهومی بدلی در گونه‌های مختلفی شناسایی می‌شوند که شناخته‌ترین آنها شمول معنایی، هم‌معنایی، تقابل معنایی و تباین معنایی است (برای آگاهی بیشتر، نک: Crystal, 1997, p.105)

۱-۲. روابط مفهومی ترکیبی: روابط همنشینی

روابط ترکیبی نوعاً میان الفاظی برقرارند که از مقولات دستوری مختلف‌اند؛ مثلاً اسم‌ها، صفت‌ها و فعل‌ها، که در ترکیب با یکدیگر سازه‌های دستوری خوش‌ساخت پدید می‌آورند (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۹۰). رابطه ترکیبی رابطه واحدهایی است که کنار هم به کار می‌روند، هر یک از طبقه ویژه‌ای هستند و بر محور همنشینی در عرض هم قرار می‌گیرند. از آنجا که برای ساختن یک عبارت رابطه همنشینی، یعنی چگونگی قرارگرفتن واژه‌ها در کنار هم بر زنجیره گفتار، باید مطابق روش‌ها و قوانین خاصی که قواعد نحوی زبان نام دارند صورت بگیرد تا آن عبارت دارای معنایی روشن باشد، رابطه همنشینی را «رابطه نحوی» نیز می‌گویند (باقری، ۱۳۷۷، ص ۴۳-۴۵). همنشینی واحدهای زبانی بر محور همنشینی سبب می‌شود مفهوم هر واحد زبان بر مفهوم واحدهای هم‌نشین تأثیر بگذارد که به این فرایند، انتقال معنایی گفته می‌شود و از طریق افزایش معنایی یا کاهش معنایی منجر به تغییر در معنای واحدهای هم‌نشین می‌گردد (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

۱-۲. تحلیل مؤلفه‌ای

از روش‌های سنتی مطالعه مفاهیم، توصیف هر مفهوم برحسب مجموعه‌ای از مؤلفه‌های معنایی یا شرایط لازم و کافی است. شرایطی که باید در نظر گرفته شوند تا مفهومی دانسته شود، شرایط لازم به حساب می‌آیند و اگر بتوانند آن مفهوم را از سایر مفاهیم متمایز سازند، شرایط کافی تلقی می‌شوند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۷۱).

تحلیل مفاهیم از طریق مؤلفه‌های معنایی، تحلیل مؤلفه‌ای (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲) یا تجزیه واژگانی (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹) نامیده می‌شود که به کمک تعداد محدودی مؤلفه، نوعی تعریف برای واژه ارائه می‌شود (پالمر، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰).

۲. بررسی لغوی «سینه»

«سینه» برگرفته از ریشه «س وء» از ریشه‌های پربسامد قرآنی است که مجموعاً ۱۶۷ بار در قرآن به‌کاررفته است. با نگاهی به کتاب‌های موجود درباره واژه‌های دخیل در قرآن معلوم می‌شود ریشه «سوء» و واژه‌های اشتقاق یافته از آن از وام‌واژه‌های قرآن نیستند (برای نمونه، نک: جفری، ۱۳۸۵، ج ۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱). فرهنگ‌نویسان برای این ماده و مشتقاتش معانی متعددی یادکرده‌اند که مهم‌ترین آنها به‌شرح زیر است:

بیشتر فرهنگ‌نویسان برای این ماده معنای «قیبح» را آورده‌اند که هم در کاربرد اسمی و هم در کاربرد فعلی آن اعم از مجرد و مزید هست. مثلاً «سیء» و «سینه» به معنای «عمل قبیح» است (خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۲۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۱۳، ص ۸۹؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۴۱)؛

برخی «سوء» را اسمی جامع دانسته‌اند که برای تمام مریضی‌ها و آفت‌ها به‌کار می‌رود (خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۲۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۷۵؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۶۳۴؛ شرتوتی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۴؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۱۳، ص ۸۹؛ زمخشری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۸۰)؛

از معانی یادشده برای این ماده «حزن و اندوه» است و برخی فرهنگ‌نویسان آن را نقیض «سرور و شادی» (نک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۵؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۵) و «ساءه» را به معنای ناراحت کردن کسی دانسته‌اند (شرتوتی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۳؛ مختار عمر، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۱۲۷). راغب در معنای سوء می‌گوید: «به هر چیزی، از قبیل امور دنیوی و اخروی یا حالات نفسانی و بدنی و خارجی مانند از دست دادن مال و ثروت و از دست دادن دوست، که انسان را غمگین می‌سازد، سوء گفته می‌شود» (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۴۱). برخی گفته‌اند «سینه» همواره وصف می‌آید مثل خصلت سینه، عادت سینه و...؛ اگر آن را متعدی بدانیم، معنای بدآور و محزون کننده می‌دهد» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۴۸).

از دیگر معانی که در صورت‌های فعلی باب افعال و تفعیل کاربرد دارد «فاسد کردن» است؛ مثلاً عبارت «أساء الشيء» یعنی «آن را فاسد کرد» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۷؛ شرتوتی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۴؛ مختار عمر، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۱۲۷؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۶۳۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۷۶) و عبارت «سَوَّ ولا تُسَوِّئُ» به معنای «اصلاح کن و فاسد نکن» است (مختار عمر، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۱۲۸؛ زمخشری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۸۰؛ شرتوتی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۴)؛

برخی برای اسم «سوء» و کاربرد فعلی آن در صیغه‌های مختلف معنای «ضرر» را یادکرده‌اند، مثلاً اگر «سوء» در آیه «أَمْطَرْتُ مَطَرًا السَّوَاءِ...» (الفرقان: ۴۰) مضموم خوانده شود، به معنای ضرر

است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۷۵)؛ یا عبارت «مَسَّ بِسُوءٍ» به معنای ضرر رساندن است (مختار عمر، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۱۲۸).

مصطفوی پس از ذکر برخی معانی یادشده، در تعریف ماده سوء می‌گوید: «آنچه که در ذات خود زیبا نیست، خواه در عمل یا موضوع یا حکم یا امر قلبی یا معنوی و... باشد» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۵۱).

۳. معناشناسی «سینه» و واژه‌های در پیوند با آن

در بررسی معناشناختی هر مفهوم قرآنی لازم است روابط مفهومی آن در قرآن بررسی شود. از آنجاکه «سینه» با واژه «سوء» قرابت معنایی دارد و نمی‌توان این دو را کاملاً از هم تفکیک کرد، برای بررسی روابط مفهومی «سینه» باید روابط همنشینی و جانشینی ریشه «سوء» و واژه‌های اشتقاق یافته از آن را بررسی کرد. گفتنی است در بررسی روابط همنشینی نمونه‌ای از آیاتی که سینه/سوء در آنها به‌کاررفته آمده است؛ چراکه هم در فهم معنای «سینه» نقشی به‌سزا دارند و هم یکی از روش‌های کشف مفاهیم جانشین، کاربرد در زنجیره همنشینی مشابه است. اما در بررسی روابط جانشینی، به دلیل اهمیت روش‌شناختی چگونگی کشف مفاهیم جانشین، نمونه‌ای از آیاتی که واژه جانشین در آنها به‌کاررفته آمده است و تنها به نشانی آیه متناظر با آن (که در آن سینه/سوء به‌کاررفته) و تبیین اجمالی چگونگی پدیده جانشینی اشاره شده است.

واژه‌های اشتقاق یافته از ریشه سه‌حرفی اجوف و مهموزاللام «سوء» در قرآن ۱۶۷ مرتبه در ۱۵۱ آیه به‌کار رفته‌اند. از این تعداد ۱۳۲ مورد کاربرد اسمی و ۳۵ مورد کاربرد فعلی است. از ۱۳۲ کاربرد اسمی، ۶۲ مرتبه به صورت صفت‌مشبیه به‌کاررفته که ۲۲ مورد مفرد مؤنث «سینه»، ۳۶ مورد جمع مؤنث سالم «سَیِّمَات» و ۴ مورد مفرد مذکر «سَیِّء» است. برخی بر این باورند سینه در قرآن بیشتر به‌عنوان اسم به‌کاررفته است نه صفت‌مشبیه (نک: ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۴۶۵) اما با توجه به نحو عربی و کاربردهای سینه، که جز در مواردی انگشت‌شمار به‌تنهایی و نه به صورت صفت برای موصوف به‌کاررفته، درست این است که آن را صفت جانشین اسم بدانیم.

دیگر کاربردهای اسمی این ریشه عبارتند از: ۵۰ بار به صورت اسم جامد غیرمصدری «سوء» و ۹ بار به صورت اسم جامد مصدری «سوء»؛ ۷ بار به صورت اسمی «سَوَأُ» و جمع آن «سَوَاءت»؛ دو بار به صورت اسم تفضیل مذکر «أَسْوَأُ» و یک بار به صورت اسم تفضیل مؤنث «سَوَأی»؛ و یک بار نیز به صورت اسم فاعل «مُسیء» از باب افعال (نک: عبدالباقی، ۱۴۲۰، ص ۳۷۱-۳۷۴ ذیل ماده سوء).

از ۳۵ کاربرد فعلی، ۳۰ مورد آن ثلاثی مجرد و پنج مورد دیگر باب افعال است. در کاربرد ثلاثی مجرد، ۲۳ مورد به صورت فعل ماضی معلوم «ساء/ ساءت»، ۴ مورد به صورت فعل مضارع معلوم «یسوء/ تسوء» و ۳ مورد به صورت فعل ماضی مجهول «سیء/ سیئت» به کاررفته است. ۵ مورد باب افعال نیز در صیغه‌های مختلف فعل ماضی معلوم «أساء» به کاررفته است.

آیاتی که بر سوء یا واژه‌های اشتقاق یافته از آن مشتمل‌اند را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: در دسته اول که بیشتر آیات را دربر می‌گیرد، سوء و مشتقاتش در حوزه عملی بد است که ارتکاب آن موجب عقاب خدا می‌شود. در دسته دوم به معنی پیشامدی ناخوشایند است که موجب بدحالی انسان می‌شود. در دسته سوم در معنای مطلق قبح و بدی است و در دسته آخر برای تبیین حالت به کاررفته است. گفتنی است در این میان «سینه» تنها در دو حوزه «عمل بد با پیامد عقاب» و «پیشامد ناخوشایند» کاربرد یافته است و از همین رو در این مقاله به بررسی اجمالی روابط همنشینی و جانیشینی سوء و واژه‌های برگرفته از آن در این دو حوزه معنایی پرداخته می‌شود (برای بررسی تفصیلی هر چهار حوزه معنایی، نک: عشقی، ۱۳۹۶).

شایان ذکر است در بررسی مفاهیم همنشین توجه اصلی معطوف به آن دسته از مفاهیمی است که با سوء و واژه‌های اشتقاق یافته از آن در باهم‌آیی‌اند و تا حد زیادی معنای آن را روشن‌تر می‌کنند. لذا در کاربرد اسمی غالباً به کنش‌ها یا حالت‌های در باهم‌آیی با سینه/سوء بسنده شده است و در کاربرد فعلی یا شبه‌فعلی ماده سوء (مجرد یا باب افعال) به فاعل و مصداق آن در آیات مربوط توجه شده است. این مجموعه آیات همنشین‌های فراوانی را شامل می‌شوند. روابط جانیشینی نیز در دو بخش عمده بررسی می‌شوند: در بخش اول آن دسته از مفاهیمی بررسی می‌شوند که با سوء و مشتقاتش قرابت معنایی دارند و در بخش دوم، آن مفاهیمی که تقابل معنایی دارند. گفتنی است برای هر مفهوم، بسامد و چگونگی کاربرد بیان می‌شود اما تنها نمونه‌هایی از آیات یاد می‌شوند.

۳-۱. حوزه معنایی «عمل بد با پیامد عقاب»

سوء و مشتقات آن، ۷۷ بار در ۷۳ آیه در حوزه اعمال زشتی به کاررفته‌اند که فرد در صورت ارتکاب گرفتار عقاب خدا می‌شود. این عقاب ممکن است در دنیا یا در آخرت گریبانگیر فرد شود. البته در بسیاری مواقع بنا بر شروطی، خدا از عقاب بندگان چشم می‌پوشد.

از سوء و مشتقاتش در این آیات ۲۶ بار به صورت جمع مؤنث «سیئات»، ۹ بار مفرد مؤنث «سینه» و ۴ بار مفرد مذکر «سیء» یادشده است. ۲۱ بار به صورت اسم «سوء»، ۳ بار به صورت مصدر «سوء»، دو بار به صورت اسم تفضیل مذکر «أسوأ»، و یک بار به صورت اسم فاعل از باب

افعال «مُسیء» به کاررفته است. کاربرد آن در صورت فعلی ۶ مرتبه به صورت فعل ماضی ثلاثی مجرد «ساء» و ۵ مرتبه به صورت فعل ماضی از باب افعال «أساء» است.

۳-۱-۱. مفاهیم همنشین

از میان همنشین‌های این دسته از آیات، مفهوم «عمل» فراوان‌ترین باهم‌آیی را به خود اختصاص داده است. پس از آن، «تکفیر» در مرتبه دوم فراوانی قرار دارد. در مرتبه بعد مفاهیم «امر و نهی» با تعابیر مختلف همنشین سوء و واژه‌های اشتقاق یافته از آن شده‌اند. مفاهیم دیگری که در باهم‌آیی با آن به چشم می‌خورد مفاهیم «ظلم به نفس»، «جهل» و «مکر» است. برخی دیگر از اسامی همنشین عبارتند از: «فاحشه»، «فحشاء»، «مقت»، «ذنب»، «خطیئه»، «إثم» و «بغی». برخی دیگر از افعالی که باهم‌آیی داشته‌اند عبارتند از: «کسب»، «اجتراح»، «اراده»، «تبدیل»، «عفو»، «تجاوز» و «اذهاب». در ادامه، همنشین‌های یادشده به ترتیب فراوانی در کاربرد بررسی می‌شوند.

۱. عمل

این مفهوم پرکاربردترین همنشین در کاربرد ثلاثی مجرد است که ۲۵ بار با یا بدون رابطه مستقیم نحوی و ۷ بار به صورت تقدیری همنشین سوء و واژه‌های اشتقاق یافته از آن شده است. در رابطه مستقیم نحوی، ۵ مرتبه «سوء» مفعول به بی واسطه «عمل» (بدون حرف جر) شده است. مثلاً:

﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ...﴾ (النساء: ۱۷)

و دو مورد، با واسطه حرف جر زائد مفعول آن شده است. مثلاً:

﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّراً وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ...﴾ (آل عمران: ۳۰)

۶ مرتبه «سینه» و جمع آن «سینات» مفعول به «عمل» شده است. مثلاً:

﴿وَأَكْبَرَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ...﴾ (النساء: ۱۸)؛

در ۴ آیه فعل ماضی معلوم «ساء» همنشین «عمل» شده است. مثلاً:

﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَاباً شَدِيداً إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (المجادله: ۱۵)

دو مورد اسم تفضیل «أسوا» همراه با «عمل» به کاررفته است. مثلاً:

﴿لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا...﴾ (الزمر: ۳۵)

در ۴ مورد اسم «سوء» مضاف به «عمل» شده است. مثلاً:

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ...﴾ (محمد: ۱۴)

مفهوم «عمل» بدون رابطه مستقیم نحوی در یک آیه همنشین «سوء» (الانبیاء: ۷۴) و در یک آیه همنشین «سینه» شده است:

«وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (النمل: ۹۰)

و به صورت تقدیری: در ۵ آیه، فعل ماضی معلوم در باب افعال، مفهوم «عمل» را در تقدیر دارد (با توجه به قواعد نحو عربی در معنای «عَمِلَ السَّوْءَ / سوء» است). مثلاً:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (فصلت: ۴۶)

در یک آیه، اسم فاعل از باب افعال، مفهوم «عمل» را در تقدیر دارد:

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ»

(غافر: ۵۸)

در آیات یادشده، «أساء» به معنی «عَمِلَ سُوءًا / سینه» و «مُسيء» به معنی «الذی یعمل سوءًا / سینه» است.

در یک آیه نیز «سَيِّئًا»، به تقدیر صفت «عمل» شده است (تقدیر آیه اینگونه است: «آخِرَ عَمَلًا سَيِّئًا»):

«وَأَخْرَجُوا عَتَرَتَهُمْ كَلْبًا صَالِحًا وَآخِرَ سَيِّئًا...» (التوبه: ۱۰۲)

۲. تکفیر

این مفهوم در کاربرد فعلی باب تفعیل در میان همنشین‌های «سینه» مرتبه دوم فراوانی را به خود اختصاص داده که با فاعلیت خدا در ۱۴ آیه آمده است. از این تعداد، ۱۲ بار «سینات» مفعول به بی واسطه آن قرار گرفته است. در یک آیه درخواست مؤمنان از خداست:

«... رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران: ۱۹۳)

مابقی آیات، وعده خدا به بندگان است که بنا بر شروطی انجام می‌گیرد. از این ۱۲ آیه، ۴ آیه با ادات تأکید به کاررفته که ۳ بار همراه با «لام» و «نون» تأکید و یک بار دیگر همراه با «لام» تأکید است. مثلاً:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ...» (العنکبوت: ۷)

یک بار «سینات» با واسطه حرف جر زائد، مفعول «تکفیر» واقع شده است:

«إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ...»

(البقره: ۲۷۱)

و در آیه‌ای دیگر، اسم تفضیل مذکر «أسوأ»، مفعول به این مفهوم قرار گرفته است:

«لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا...» (الزمر: ۳۵)

۳. مفاهیم امر و نهی

در برخی از آیات اسم سوء همراه با مفهوم امر به کاررفته است. «سوء» در یک آیه همراه با فعل «یا امر» به کاررفته و امر به سوء منسوب به شیطان است:

«إِنَّمَا يُأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (البقره: ۱۶۹)

و در یک آیه همراه با صیغه مبالغه از «امر» به کاررفته و امر به سوء را به نفس نسبت می‌دهد:

«وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ...» (یوسف: ۵۳)

در تعدادی از آیات اسم سوء و فعل ساء همراه با مفهوم نهی به کاررفته است. در ۳ آیه «لا» نهی به همراه فعل «مس» در رابطه با ناقه حضرت صالح (ع) همنشین «سوء» شده است. مثلاً:

«... هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوْهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ...» (الاعراف: ۷۳)

در ۲ آیه «لا» نهی همراه با عملی قبیح، همنشین فعل ساء شده است:

«وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» (النساء: ۲۲)

«وَلَا تَقْرُبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (الاسراء: ۳۲)

و در یک آیه فعل يَنْهَوْنَ همنشین با «سوء» شده است:

«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَجْبَنَّا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ...» (الاعراف: ۱۶۵)

۴. فحشاء و فاحشه

«فحشاء» در دو آیه در همنشینی سوء به کاررفته که یک مورد آن امر به سوء و فحشاء از ناحیه شیطان است (البقره: ۱۶۹، که پیش‌تر آمد) و مورد دیگر، در ماجرای حضرت یوسف (ع) و برگرداندن او از سوء و فحشاء از سوی خداست:

«... كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف: ۲۴)

«فاحشه» نیز در دو آیه همنشین با عبارت «ساء سبیلاً» شده است (النساء: ۲۲ و الاسراء: ۳۲، که پیش‌تر آمدند).

۵. مکر

در دو آیه «سینات» مفعول به «مکر» شده است:

«... وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ...» (فاطر: ۱۰)

برخی گفته‌اند سینات در این آیه صفت برای موصوف محذوف «مکرات» است و تقدیر آیه اینگونه است: «یمکرون المکرات السینات» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۶۰۳).

«أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ...» (النحل: ۴۵)

در این آیه نیز برخی تقدیر را «المکرات السيئات» دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۰۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۱۲) ولی طباطبایی آن را بر خلاف سیاق و فعل «مکروا» را متضمن معنای «عملوا» و به معنای «عملوا السيئات ماکرین» می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۲۶۲).

در یک آیه مفهوم «مکر» دو بار هم‌نشین «سِئَاء» شده است (بار اول صفت جانشین اسم و بار دوم صفت):

«اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ...» (فاطر: ۴۳)

۶. ذنب

این مفهوم در ۳ آیه به صورت صریح یا تقدیری هم‌نشین با «سِئَاء» و «سيئات» شده است. در یک آیه که دعای مؤمنان است، «تکفیر سيئات» هم‌نشین با «غفران ذنوب» شده است:

«... رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا...» (آل عمران: ۱۹۳)

در یک آیه، «اعتراف به ذنوب» در هم‌نشینی با «سِئَاء» کاربرد یافته است:

«وَأَخْرَوْا اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَأَخَرَ سَيِّئًا...» (التوبه: ۱۰۲)

در یک آیه تکفیر سيئات همراه با غفران آمده، که ممکن است ذنوب را در تقدیر داشته باشد. طبرسی (۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۲۵) نیز بر این نظر است:

«... إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ...» (الانفال: ۲۹)

۷. مَجِيء

«سینه» در ۳ آیه در باهم آیی با ع بارت «جاء ب» بوده است. مثلاً:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

(القصص: ۸۴)

۸. جهالت

این واژه در ۳ آیه هم‌نشین با «عمل سوء» شده است. مثلاً:

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ...» (النساء: ۱۷)

۹. خطیئه

یک بار «کسب سینه» در هم‌نشینی با «احاطه خطیئه» و معطوف به آن به کاررفته است:

«مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ...» (البقره: ۸۱)

و یک بار «عمل سوء» هم‌نشین «کسب خطیئه» شده است:

«وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا... وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً...» (النساء: ۱۱۰-۱۱۲)

۱۰. کسب

در یک آیه «سیئه» و در یک آیه «سیئات» مفعول به فعل کَسَبَ شده است. مثلاً:
«بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقره: ۸۱)

۱۱. تبدیل

در کاربرد فعلی باب تفعیل در دو آیه به کاررفته که در یکی همنشین با سیئه و در دیگری همنشین با سوء شده است. در یکی از آنها عمل «تبدیل» به خدا نسبت داده شده و «سیئات» مفعول به آن است:

«إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ...» (الفرقان: ۷۰)
در آیه دیگر بدون رابطه مستقیم نحوی در همنشینی با «سوء» به کاررفته و فاعل آن انسان

است:

«إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي عَفُورٌ رَحِيمٌ» (النمل: ۱۱)

۱۲. عفو

یک بار با فاعلیت خدا، همراه با حرف جر «عن» در همنشینی با «سیئات» آمده است:
«وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ...» (الشوری: ۲۵)

۱۳. تجاوز

به صورت فعلی در باب تفاعل یک بار همراه با حرف جر «عن» در همنشینی با سیئات به کاررفته و فاعل آن خداست:

«أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ...» (الاحقاف: ۱۶)

۱۴. إذهاب

در کاربرد فعلی یک بار در باب افعال به کاررفته و «سیئه» مفعول به آن شده است:
«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ»

(هود: ۱۱۴)

۱۵. اجتراح

جرح یک بار در کاربرد فعلی باب افتعال، همنشین «سیئات» شده و با آن رابطه فعل و مفعولی دارد:

«أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» (الجنائیه: ۲۱)

۱۶. إرادة

در کاربرد فعلی باب افعال ۳ مرتبه در همنشینی با سوء کاربرد یافته، که دو مرتبه آن با فاعلیت خداست و معنایی غیراز معنای موردنظر القا می‌کند و یک بار دیگر، با فاعلیت انسان به‌کاررفته و سوء مفعول به آن شده است:

«... ما جزاءً مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (یوسف: ۲۵)

۱۷. مقت

در یک آیه واژه «مقتاً» در همنشینی با «ساءً سبیلاً» به‌کاررفته است (النساء: ۲۲، که پیش‌تر آمد).

۱۸. ظلم به نفس

در یک آیه «سوء» همنشین با «ظلم به نفس» شده است:

«وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ...» (النساء: ۱۱۰)

۱۹. اثم

یک بار «کسب اثم» در همنشینی با «عمل سوء» به‌کاررفته است:

«وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا... وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا...» (النساء: ۱۱۰-۱۱۱)

۲۰. بغی

در یک آیه «سوء» همنشین با «بغی» شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا كَانَ أَلْبُوسًا عَلَيْكُمْ سُوءٌ وَمَا كَانَتْ أُمَّكُ بَغِيًّا» (مریم: ۲۸)

۳-۱-۲. مفاهیم جانشین

جانشین‌های سوء و واژه‌های اشتقاق‌یافته آن در این حوزه معنایی (عمل بد با پیامد عقاب) در دو بخش کلی بررسی می‌شوند: بخش اول آن دسته از واژه‌هایی هستند که با سوء و مشتقاتش قرابت معنایی (اعم از شمول معنایی و هم‌معنایی) دارند و بخش دوم واژه‌هایی که در تقابل معنایی با این واژه‌ها به‌کاررفته‌اند.

۳-۱-۲-۱. مفاهیم دارای قرابت معنایی

همانگونه که پیش‌تر آمد، سوء و مشتقات آن در این دسته از آیات اعمال زشت و قبیحی است که خدا، بندگان را از ارتکاب آن برحذر داشته و انجام آن امور عواقب دنیوی یا اخروی به‌همراه دارد. برای یافتن جانشین این واژه‌ها در قرآن باید واژه‌هایی را پی‌جست که سیاقی یکسان و بافتی مشابه داشته باشند. یعنی عواملی یا عواقبی که برای ارتکاب به اعمال سوء / سیء ذکر شده، برای آنها نیز یاد شده باشد؛ یا با یک یا چند همنشین در زنجیره همنشینی یکسان

به‌کاررفته باشند. واژه‌های جانشین در این دسته از آیات عبارتند از ذنب، منکر، فاحشه، ظلم، خطیئه، فساد در زمین و کید. در ادامه، این واژه‌ها با توجه به فراوانی کاربرد بررسی می‌شوند.

۱. ذنب

در برخی از آیات، ذنوب و اعمال سیء نتیجه یکسان و عقاب مشابه دارند و لذا «ذنب» می‌تواند از جانشین‌های «سوء» و «سینه» باشد. مثلاً:

«فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَسَبْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَا وَمَا كَانِ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (العنكبوت: ۴۰)

در این آیه نتایج یادشده برای ذنب، صریحاً برای اعمال سیء نیز ذکر شده است:

- «ارسال حاصب»؛ که ممکن است منظور قوم عاد (سیدقطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۷۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۲۷) یا قوم لوط (ع) (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۰۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۲۷) باشد. در صورتی که مراد از آن قوم لوط (ع) باشد، «ارسال حاصب» همان «حجاره من سجیل» است که در هود: ۸۲ در نتیجه اعمال زشت قوم لوط (ع) برایشان نازل شد.

- «صیحه»؛ در قرآن عذاب دو قوم ثمود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۲۷؛ سیدقطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۷۳۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۴۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۹) و شعیب (ع) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۲۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۴۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۹) صیحه ذکر شده است. در صورتی که مراد این آیه قوم ثمود باشد، «ذنب» در جانشینی با «مس سوء» در الاعراف: ۷۳، هود: ۶۴ و الشعراء: ۱۵۶ به‌کاررفته است؛ زیرا آیات مذکور از رساندن سوء به ناقه صالح (ع) سخن گفته و نتیجه نافرمانی و عقر ناقه را صیحه بیان می‌کند (نک: الاعراف: ۷۳-۷۸؛ هود: ۶۴-۶۷؛ الشعراء: ۱۵۶-۱۵۸).

- «خسف در زمین»؛ در النحل: ۴۵ در مقام تهدید مشرکان، نتیجه و عقاب «مکر سینات» فرورفتن در زمین بیان شده است.

- «غرق»؛ عذاب غرق شدن در قرآن برای قوم نوح (ع) و فرعون یادشده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۲۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۴۴). اگر مراد قوم نوح (ع) باشد، در الانبیاء: ۷۷ به عنوان «قوم سوء» معرفی شده‌اند و در نتیجه بدی ایشان، عذاب برایشان نازل شد؛ لذا سوء بودن آنان جانشین ذنب در آیه مورد بحث است.

نمونه دیگر:

«فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا» (الشمس: ۱۴)

در این آیه عقاب و هلاک قوم ثمود به سبب ذنب ایشان دانسته شده که در آیاتی دیگر از آن با عبارت «مسّ بسوء» تعبیر شده است (برای نمونه نک: الاعراف: ۷۳). همانطور که قبلاً آمد، خدا بنا به شروطی از اعمال سوء / سیء بندگان چشم می‌پوشد. یکی از مفاهیم بخشش خدا «تکفیر» است. در الفتح: ۵ و التغابن: ۹، تکفیر سیئات همشین با عبارت «فوز عظیم» شده است. این همشینی در رابطه با «غفران ذنوب» نیز وجود دارد:

«يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (الصف: ۱۲)

در الاحزاب: ۷۱ نیز «غفران ذنوب» و «اصلاح اعمال» همشین «فوز عظیم» شده‌اند.

۲. منکر

«منکر» معنایی نزدیک به معنای لغوی «سوء» دارد (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۴، ص ۸۲۳) و از این رو در برخی از آیات جانشین آن شده است. مثلاً در البقره: ۱۶۹ امر به «سوء» و «فحشاء» و در آیه زیر، امر به «منکر» و «فحشاء» به شیطان نسبت داده شده است:

«... مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...» (النور: ۲۱)

آیات الاعراف: ۱۶۵ و المائده: ۷۹ هر دو در باره نهی بنی اسرائیل از صید ماهی در روز شنبه است که در الاعراف با عبارت «نهی از سوء» و در المائده با مفهوم «نهی از منکر» از آن تعبیر شده است. از مصادیقی که برای نهی از منکر در این آیه آمده، صید روز شنبه است (برای نمونه نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۵۷ به نقل از ابن عباس):

«كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (المائده: ۷۹)

در یک آیه منکر در همشینی با فعل «نهی» و اسامی «فحشاء» و «بغی» به کاررفته است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (النحل: ۹۰)

در یک آیه نیز فعل «نهی» و اسم «فحشاء» همشین منکر شده‌اند:

«... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...» (العنكبوت: ۴۵)

همان‌طور که پیش‌تر آمد، هر سه واژه یادشده از همشین‌های سوء هستند (برای همشینی سوء با فعل نهی نک: الاعراف: ۱۶۵؛ با اسم فحشاء نک: البقره: ۱۶۹ و یوسف: ۲۴؛ با اسم بغی نک: مریم: ۲۸).

۳. ظلم

آیات الانعام: ۵۴ و النحل: ۱۱۹ شرط غفران و رحمت خدا را توبه از «عمل جاهلانه سوء» و اصلاح می‌داند. در برخی دیگر از آیات، این شروط برای ظلم و عمل ظالمان ذکر شده است. مثلاً:

«فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (المائدة: ۳۹)

۴. فاحشه

آیه النساء: ۱۱۰ با آیه زیر بافتی مشابه دارد با این تفاوت که به جای «عمل سوء»، «فعل فاحشه» به کار رفته است:

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ...»

(آل عمران: ۱۳۵)

۵. خطیئه

در الانبیاء: ۷۷ علت عذاب و غرق شدن قوم نوح(ع) سوء بودن ایشان و در آیه زیر علت خطیئات آنان بیان شده است:

«بِمَا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا» (نوح: ۲۵)

۶. فساد در زمین

در الاعراف: ۱۶۵ کسانی که «نهی از سوء» می‌کردند، مستحق نجات و ظالمان مستحق عذاب ذکر شده‌اند. بافت آیه زیر نیز به همین صورت است ولی به جای نهی از سوء، «نهی از فساد در زمین» ذکر شده است:

«فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ * وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ» (هود: ۱۱۶-۱۱۷)

۷. کید

در یوسف: ۲۴ به برگرداندن سوء و فحشاء از حضرت یوسف(ع) اشاره شده و آیه ۳۴ همین سوره، برگرداندن کید زنان از یوسف(ع) را بیان می‌کند و در هردو آیه فاعل فعل «صرف» خداست:

«فَأَسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (یوسف: ۳۴)

در این بخش به آن دسته از جانشین‌ها پرداخته می‌شود که در تقابل با سوء و واژه‌های برگرفته از آن در این حوزه معنایی‌اند. این بخش از آن جهت اهمیت دارد که با دانستن واژه‌های مقابل سوء و مشتقاتش، می‌توان به درک بهتری از مفهوم سینه رسید. واژه‌های مقابل سوء و مشتقاتش در این حوزه معنایی به ترتیب فراوانی در کاربرد «حسنه / حسن»، «عمل صالح»، «خیر» و «بر» هستند که در ادامه بررسی می‌شوند.

۱. حسنه / حسن

پرتکرارترین و دقیق‌ترین واژه مقابل سوء و واژه‌های اشتقاق یافته از آن، حسن و مشتقات آن است که در صورت‌های مختلف اسمی و فعلی در مقابل آن کاربرد یافته است. مثلاً:

به صورت «حسنه» در مقابل «سینه»:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (الانعام: ۱۶۰)

به صورت «حَسَن / حَسَن» در مقابل «سوء»:

«إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (النمل: ۱۱)

«أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ مَنْ يَشَاءُ...» (فاطر: ۸)

به صورت «أحسن» در مقابل «أساء»:

«وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيُجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيُجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى»

(النجم: ۳۱)

۲. عمل صالح

از دیگر مفاهیم متقابل، «عمل صالح» است که هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع در در مقابل سوء و مشتقات آن به کاررفته است. مثلاً:

در مقابل «سِئَة، سِئَة / سیئات»:

«بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ * وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقره: ۸۱-۸۲)

در مقابل «أساء»:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (فصلت: ۴۶)

در مقابل «مُسيء»:

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ»

(غافر: ۵۸)

در مقابل «سوء»:

«لَيْسَ بِأَمَانَتِكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَى بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا»
(النساء: ۱۲۳-۱۲۴)

۳. خیر

در این حوزه معنایی، «خیر» یک بار در مقابل «سوء» به کار رفته است:
«يَوْمَ يُجَدُّ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ...» (آل عمران: ۳۰)

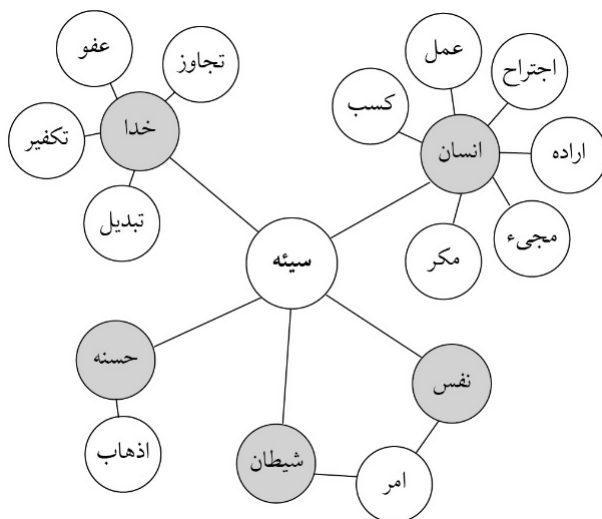
۴. بر

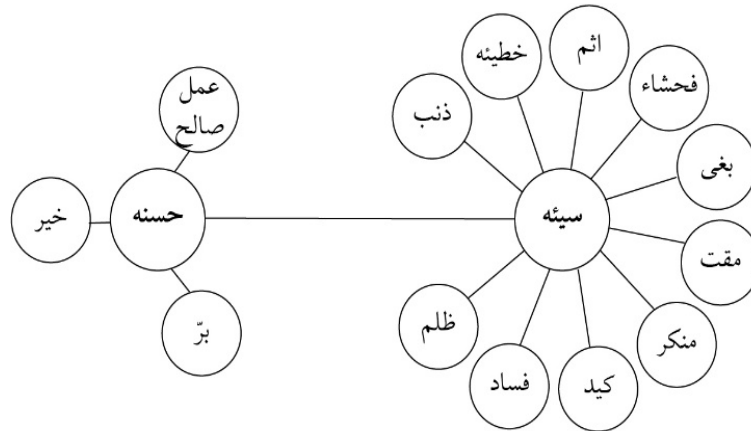
این واژه به صورت جمع و به طور غیر مستقیم، مقابل «ذنب» و «سیئه» واقع شده است:
«رَبَّنَا إِنَّا أَسْعَنَّا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران: ۱۹۳)

در این آیه، غفران ذنوب و تکفیر سیئات در مقابل مرگ در زمره نیکوکاران قرار گرفته است و از این رو تقابلی معنایی ذنب و سیئه با بر، و مذنب و مُسیء با بر فهمیده می شود.

۳-۱-۳. تحلیل معنایی

روابط مفهومی سیئه در این حوزه معنایی را می توان در شبکه معنایی زیر ترسیم کرد:





در نتیجه سیئه را می‌توان در این حوزه معنایی چنین تعریف کرد:

«عملی بد و حرام در حق خود یا دیگران است که انسان با اراده خود به‌عمد یا از روی نادانی و گاه به وسوسه شیطان، نفس یا دیگران انجام می‌دهد و انجام آن موجب عقاب در دنیا یا آخرت می‌شود؛ اما در صورت انجام کار نیک یا توبه عقاب محقق نمی‌شود و گاهی با اراده خدا تبدیل به نیکی و مستوجب رحمت می‌شود». بر این اساس سیئه همه گناهان را دربرمی‌گیرد.

۲-۳. حوزه معنایی «پیشامد ناخوشایند»

سوء و مشتقات آن، ۳۶ مورد در ۳۴ آیه به معنای هر حادثه، اتفاق، پیشامد و مصیبت بدی به‌کاررفته است که در صورت رسیدن آن به انسان، سختی و مشقت را به همراه دارد و موجب بدحالی او می‌شود. در این دسته از آیات، ۱۳ بار اسم «سیئه» و ۱۰ بار جمع آن «سیئات»، ۸ بار اسم «سوء»، دو بار اسم جامد مصدری «سوء» و ۳ بار فعل ماضی معلوم «ساء» آمده است.

۱-۲-۳. مفاهیم هم‌نشین

مهم‌ترین افعالی که با سوء و واژه‌های برگرفته از آن در این حوزه باهم‌آیی دارند افعال «أصاب» و «أراد» در باب افعال، «استعجل» در باب استفعال، «بدل» در باب تفعیل، «مس»، «وقی»، «بدا»، «بلا»، «کشف»، «ذاق» و «ذهب» در کاربرد ثلاثی مجردند. از مفاهیم دیگری که در هم‌نشینی با این واژه‌ها به چشم می‌خورند «ضر»، «قنوط»، «خزی» و «حزن» است. در ادامه، واژه‌های مذکور به ترتیب فراوانی در کاربرد بررسی و نمونه‌هایی از آیات آورده می‌شود.

۱. إصابه

در این دسته از آیات، فعل «أصابَ يُصیب» فراوان‌ترین کاربرد را در همنشینی با «سیئه» و «سینات» دارد. رابطه این فعل با سیئه و سینات رابطه فعل و فاعلی است که در یک آیه همراه با حرف جر زائد است. از ۷ آیه‌ای که رابطه فعل و فاعلی به‌طور بی‌واسطه برقرار است، در ۵ آیه سیئه فاعل أصابَ قرار گرفته است. مثلاً:

﴿إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا...﴾ (آل عمران: ۱۲۰)

در دو آیه جمع مؤنث آن (سینات) فاعل شده است. مثلاً:

﴿فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾

(الزمر: ۵۱)

در یک آیه سیئه همراه با حرف جر زائد «من» متعلق به أصابَ شده است:

﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ...﴾ (النساء: ۷۹)

۲. ضَرَّ

این مفهوم در کاربرد اسمی به صورت‌های مختلف همنشین سوء و سیئه شده است. دو بار به صورت اسم «ضَرَاءً» در همنشینی «سیئه» به‌کاررفته است. مثلاً:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ نَعْمَاءٍ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَه لَيَقُولُنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ﴾ (هود: ۱۰)

یک بار به صورت اسم «ضَرَّ» همنشین «سوء» شده است:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ...﴾ (الاعراف: ۱۸۸)

و یک بار به صورت اسم «مُضْطَرَّ» همنشین «سوء» شده است:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...﴾ (النمل: ۶۲)

۳. دَفَعَ

از جمله همنشین‌های سیئه، مفهوم دفع کردن است که با افعال «دفع» و «درأ» از آن یاد شده است. «دَفَعَ» در دو آیه به صورت فعل امر، همنشین سیئه شده است. مثلاً:

﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ﴾ (المؤمنون: ۹۶)

«درأ» نیز دو بار به صورت فعل مضارع، در همنشینی با سیئه به‌کاررفته و سیئه، مفعول به آن شده است. مثلاً:

﴿أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (القصص: ۵۴)

۴. مَسَّ

این فعل از همنشین‌های بی‌واسطه واژه سوء است که در ۳ آیه با آن رابطه فعل و فاعلی دارد. مثلاً:

«فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ...» (آل عمران: ۱۷۴)

۵. وقایه

در دو آیه از سوره غافر، سیئات مفعول‌به مستقیم فعل «وقی» شده و عمل وقایه به خدا نسبت داده می‌شود. یک آیه، دعای ملائکه برای مؤمنان است:

«وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتُهُ...» (غافر: ۹)

آیه دیگر نتیجه تفویض امور به خدا را که در آیه قبل آن آمده، بیان می‌کند:

«فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا...» (غافر: ۴۵)

۶. إرادة

فعل «أراد» یکی دیگر از افعال همنشین با واژه سوء است که در ۳ آیه همنشین آن شده است. یکی از این موارد، اراده سوء از جانب انسان است که در دسته اول آیات بررسی گردید. اما دو آیه دیگر در این دسته از آیات جای می‌گیرند و در آن‌ها اراده سوء به خدا نسبت داده شده است. مثلاً:

«قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً...» (الاحزاب: ۱۷)

۷. استعجال

از دیگر افعال همنشین با سینه، استعجال است که همراه با حرف جر «ب» در دو آیه به‌کاررفته است. مثلاً:

«وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ...» (الرعد: ۶)

۸. بدو

سیئات در دو آیه فاعل فعل بدا شده است. مثلاً:

«وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا...» (الزمر: ۴۸)

۹. قنوط

این مفهوم در یک آیه به صورت فعلی، در همنشینی با سینه به‌کاررفته است:

«وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ» (الروم: ۳۶)

۱۰. بلاء

فعل «بلا» همراه با حرف جر «ب» در یک آیه همنشین سیئات قرار گرفته است. گفتنی است که فاعل این فعل خداست:

«... وَتَلَوْنَاهُمْ بِالْحُسْنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (الاعراف: ۱۶۸)

۱۱. تبدیل

مجموعاً ۳ مرتبه همنشین با سوء و سیئه شده است که دو مرتبه آن در آیات دسته اول آمد و یک مورد دیگر که در این دسته قرار می‌گیرد، در همنشینی با سیئه به کاررفته است. گفتنی است که فاعل فعل تبدیل در این آیه، خداست:

«لَمْ يَدُلُّنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحُسْنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا...» (الاعراف: ۹۵)

۱۲. ذهاب

«ذهب» در کاربرد فعلی ثلاثی مجرد و کاربرد فعلی ثلاثی مزید از باب افعال، همنشین سیئات شده است. در آیات دسته اول به کاربرد آن در باب افعال پرداخته شد و در این دسته، کاربرد ثلاثی مجرد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این مجموعه آیات، یک مرتبه سیئات فاعل فعل ذهاب شده است:

«وَلَمَّا أَذْفَنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسْتَهَّءٍ لِيَقُولَ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي...» (هود: ۱۰)

۱۳. کشف

در یک آیه، سوء مفعول به فعل «بکشف» قرار گرفته و فاعل آن خداست:

«أَمْ نَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...» (النمل: ۶۲)

۱۴. ذوق

در یک آیه، سوء مفعول به فعل «ذاق» قرار گرفته است:

«... وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (النحل: ۹۴)

۱۵. خزی

در یک آیه، اسم سوء عطف به «خزی» شده است:

«... إِنَّ الْحَزْنَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ» (النحل: ۲۷)

۱۶. حزن

یک بار مفهوم «حزن» به صورت فعلی همنشین سوء شده است:

«وَيَنْجِي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَقَارَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (الزمر: ۶۱)

۲-۲-۳. مفاهیم جانشین

در این بخش، واژه‌های جانشین سوء و کلمات اشتقاق یافته از آن در این حوزه معنایی (پیشامد ناخوشایند) در دو بخش کلی بررسی می‌شوند: بخش اول آن دسته از واژه‌هایی هستند

که با سوء و مشتقاتش قرابت معنایی (اعم از شمول معنایی و هم‌معنایی) دارند و بخش دوم واژه‌هایی که در تقابل معنایی با این واژه‌ها به‌کاررفته‌اند.

۳-۲-۱. مفاهیم دارای قرابت معنایی

«سوء» و «سینه» در این دسته از آیات به مصائب، حوادث و پیشامدهای نامطلوب دنیا و آخرت اطلاق می‌شود. جانشین‌های آن نیز واژه‌هایی هستند که همین معنا را القا کرده و بافت و هم‌نشینی‌هایی مشابه دارند. واژه‌های جانشین در این دسته از آیات عبارتند از: عذاب، ضرر، مصیبه، هلاک، شرّ و خوف.

۱. عذاب

از واژه‌های جانشین سوء و سینه، «عذاب» است که مانند سینه در الرعد: ۶ و النمل: ۴۶ همراه با «استعجال» به‌کاررفته است:

«وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ...» (الحج: ۴۷)

در آیاتی دیگر نیز همین مضمون آمده است (یونس: ۵۰-۵۱؛ الشعراء: ۲۰۴؛ العنکبوت: ۵۳ و ۵۴؛ الصافات: ۱۷۶).

عذاب در یک آیه، همانند سوء در النمل: ۶۲ همراه با فعل «کشف» با فاعلیت خدا و «دعاء» توسط بنده، به‌کاررفته و مراد از آن عذاب دنیایی است:

«وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ * فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ» (الزخرف: ۴۹-۵۰)

گفتنی است آیات زیر بافتی مشابه الزخرف: ۴۹-۵۰ دارد، با این تفاوت که به‌جای «عذاب»، واژه «رجز» به‌کاررفته که البته منظور از آن هم عذاب است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۲۳؛ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۵۲۲؛ نک: فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۴۷):

«وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ بِكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ * فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْعُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ» (الاعراف: ۱۳۴-۱۳۵)

در النحل: ۹۴ از قرینه «عذاب عظیم» که مربوط به قیامت است، مشخص می‌گردد که «چشیدن سوء» به معنای عذاب دنیایی است. در دو آیه، عبارت «الْحِزْبِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (که از مصادیق عذاب دنیایی است) همراه با فعل «ذاق» و در مقابل «عذاب آخرت» به‌کاررفته و لذا این عبارت می‌تواند جانشین «سوء» در النحل: ۹۴ سوره باشد. مثلاً:

«فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْحِزْبَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (الزمر: ۲۶)

در ۳ آیه، عذاب مربوط به قیامت است و مشابه «سیئات» در غافر: ۹ همراه با فعل «وقی» بافاعلیت خدا به کار رفته است. مثلاً:

«فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمُ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمُ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (الطور: ۱۸)

در یک آیه علاوه بر شواهد مذکور، نجات از عذاب جحیم به عنوان رستگاری بزرگ (مانند غافر: ۹) معرفی شده است:

«لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * فَضَلًّا مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (الدخان: ۵۶-۵۷)

۲. ضَرَّ

در این دسته از آیات، «ضَرَّ»، «ضُرَّ»، و «ضَرَّاء» در جانشینی «سوء» به کار رفته‌اند. شواهد درون‌قرآنی این جانشینی به شرح زیر است: ۱. تمامی این آیات، سیاقی مربوط به دنیا دارند؛ ۲. «ضَرَّ» و «ضَرَّاء» فاعل فعل «مس» شده‌اند؛ همانطور که فاعل آن در آیات آل عمران: ۱۷۴ و الاعراف: ۱۸۸ «سوء» است؛ ۳. اسم «ضَرَّ» در بیشتر موارد همانند اسم «سوء» در النمل: ۶۲ در باهم‌آیی با «دعاء» به کار رفته است؛ ۴. «کشف ضَرَّ» از بندگان، همانند «کشف سوء» از ایشان در النمل: ۶۲ به فاعلیت خداست؛ ۵. «اراده به ضَرَّ / ضَرَّ» همانند «اراده به سوء» در آیات الاحزاب: ۱۷ و الرعد: ۱۱ از جانب خداست؛ و ۶. «ضَرَّ» همانند «سوء» در الاحزاب: ۱۷ مقابل «رحمت» به کار رفته است. مثلاً:

«وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّ...»

(الانبياء: ۸۳-۸۴)

«وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ...» (يونس: ۱۲)

«... إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ...» (الزمر: ۳۸)

۳. مصيبه

این واژه پرکاربردترین جانشین «سیئه» در این دسته از آیات است. شواهد جانشینی مصیبه با سیئه اینهاست: ۱. افزون بر اینکه واژه مصیبه اسم مفعول (و مصدر میمی) اصابه است، مفهوم مصیبه نیز همانند سیئه در برخی آیات (همچون الاعراف: ۱۳۱) فاعل فعل «أصاب» شده و مفعول آن انسان است؛ ۲. برخی از عواملی که باعث رسیدن سیئه به انسان می‌شود، مانند اعمال انسان (نک: الروم: ۳۶) و آزمایش الهی (نک: الاعراف: ۱۶۸)، باعث رسیدن مصیبه نیز هستند؛ ۳. مصیبه نیز مانند سیئه در آیات مربوط به دنیا هم به کار رفته و برخی مصیبت‌های بیان شده، مصایب دنیایی‌اند. مثلاً:

«فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ...» (النساء: ۶۲)
 «وَلَتَبْلُؤَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره: ۱۵۵-۱۵۶)
 مراد از مصیبت در این آیه، مواردی است که در آیه قبل آن ذکر شده (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳۷) و همگی از مصادیق سیئات اند.

در دو آیه نیز رسیدن مصیبت را به خدا نسبت داده است (مانند سینه در النساء: ۷۸). در الحديد: ۲۲ تلویحاً و در آیه زیر مستقیماً به این مسأله اشاره شده است:
 «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (التغابن: ۱۱)
 آیه زیر سیاقی همانند آل عمران: ۱۲۰ دارد که هر دو در بیان حال منافقان اند و «سینه» و «مصیبه» در این دو آیه علاوه بر فعل و مفعول مشترک، در باهم آیی با «فرح» کاربرد یافته اند:
 «إِنْ تُصِيبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلٍ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ» (التوبه: ۵۰)

همچنین از سیاق و بافت آیات النساء: ۷۲ و ۷۹ برمی آید «مصیبه» و «سینه» با هم رابطه جانشینی دارند.

۴. هلاک

در الرعد: ۱۱ علت و نتیجه «اراده سوء» خدا بیان شده است: تغییر حالات انسان‌ها و کفران نعمت، که در نتیجه هیچ کس نمی‌تواند مانع اراده سوء خدا نسبت به بندگان شود و از آن جلوگیری کند. در یک آیه علت «هلاک» قوم فرعون و اقوام قبل از آن، تغییری است که ایشان در احوالات خود به وجود آورده بودند:

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُعْذِرُوا مَا بَأْسُنَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلَّ كَانُوا ظَالِمِينَ» (الانفال: ۵۳-۵۴)

آیه زیر نیز اشاره دارد به اینکه هنگام اراده خدا به هلاک شخص یا قومی، کسی قادر به ممانعت از آن نیست:

«... فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً...» (المائدة: ۱۷)

۵. شر

در الاعراف: ۱۶۸ سخن از آزمودن انسان با دو عامل «حسنات» و «سیئات» است و ادامه آیه، اصل معاد و بازگشت به سوی خدا را یادآوری می‌کند. مشابه این آیه، آیه زیر است که آزمایش الهی با دو عامل «خیر» و «شر» بیان گشته و با ذکر بازگشت به خدا خاتمه می‌یابد. به عبارت دیگر در دو آیه از الاعراف و الانبیاء، فعل، فاعل و مفعول به یکسان است و «شر» جانشین «سیئه» شده است:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْحَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (الانبیاء: ۳۵)

۶. خوف

در الزمر: ۶۱ وعده خدا به متقین در قیامت آمده که می‌فرماید به ایشان «سوء» نمی‌رسد و اندوهگین نمی‌شوند؛ آیه زیر نیز در همین سیاق و با بافتی مشابه است ولی به جای نرسیدن سوء، از نداشتن «خوف» سخن گفته است:

«فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (الاعراف: ۳۵)

۳-۲-۲. مفاهیم دارای تقابل معنایی

در این بخش به واژه‌های مقابل سوء و کلمات برگرفته از آن در حوزه معنایی دوم (پیشامد ناخوشایند) پرداخته می‌شود. واژه‌های مقابل سوء و مشتقاتش در این حوزه معنایی به ترتیب فراوانی در کاربرد «حُسن»، «رحمه» و «خیر» هستند که در ادامه بررسی می‌شوند.

۱. حسنه / حُسن

کاربرد حُسن و مشتقاتش در این حوزه معنایی به صورت «حسنة» در مقابل «سیئه» است. مثلاً:

«... وَإِنْ تُصِيبُهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ... * مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ...» (النساء: ۷۸-۷۹)

۲. رحمه

«رحمه» یک بار در مقابل «سوء» و یک مرتبه در مقابل «سیئه» به کاررفته است:

«قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً...» (الاحزاب: ۱۷)

«وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ» (الروم: ۳۶)

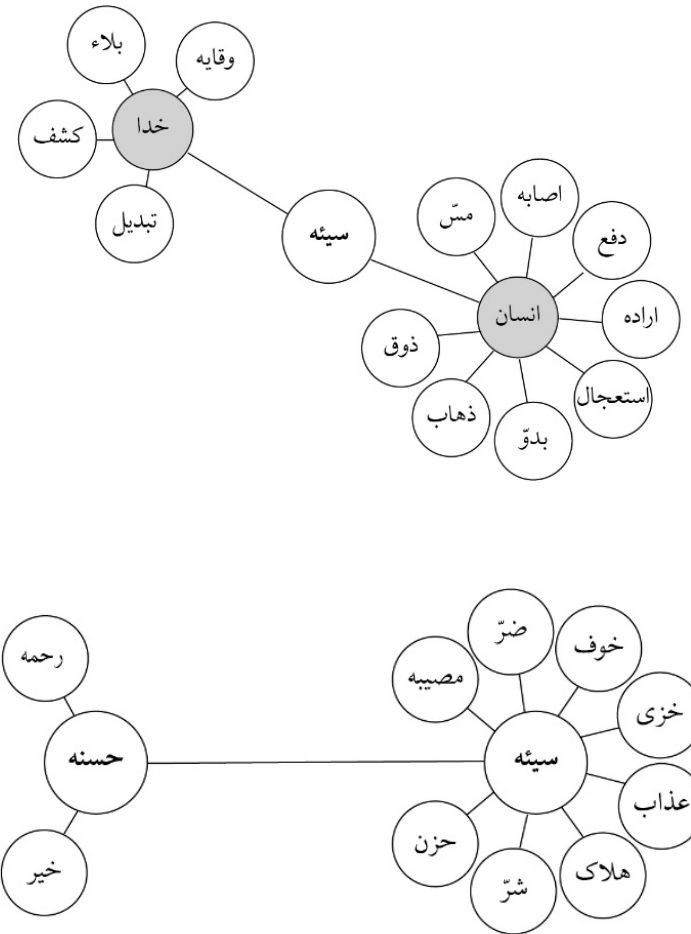
۳. خیر

این واژه یک بار در مقابل «سوء» به کاررفته است:

«... لَوْ كُنْتُمْ أَغْلَمُ الْعَيْبِ لَأَسْتَكْتَرْتُمْ مِنَ الْحَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ...» (الاعراف: ۱۸۸)

۳-۲-۳. تحلیل معنایی

روابط مفهومی سینه در این حوزه معنایی را می‌توان در شبکه معنایی زیر ترسیم کرد:



در نتیجه، سینه را می‌توان در این حوزه معنایی چنین تعریف کرد:

«پیشامدی ناخوشایند و خارج از اراده انسان است که گاه به خواست خدا و جهت آزمایش و گاه از سوی دیگران یا در نتیجه اعمال شخص برای انسان روی می‌دهد و موجب ناراحتی یا ناامیدی و ترس یا زیان است و در صورت انجام کار نیک خدا آن را برطرف می‌سازد و به انسان رحمت می‌کند.»

نتیجه‌گیری

از مطالعه ماده سوء و واژه‌های اشتقاق یافته از آن در قرآن چنین برمی‌آید که این ماده در چهار حوزه معنایی مختلف به کاررفته حال آنکه «سیئه» تنها در دو حوزه از این چهار حوزه معنایی کاربرد یافته است. از این رو در این پژوهش روابط مفهومی این ماده (اعم از روابط همنشینی و جانشینی) در این دو حوزه معنایی به طور مجزا بررسی شد که نتایج حاصل از این بررسی به شرح زیر است:

۱. هرچند واژه سیئه برگرفته از ریشه «سوء» و صفت‌مشبهه است اما در قرآن بیشتر به عنوان صفت جانشین اسم به کاررفته است.

۲. بسامد کاربرد ماده سوء و مشتقاتش در قرآن ۱۶۷ بار است. از این تعداد ۶۲ مرتبه به صورت سَيِّء، سیئه و سیئات کاربرد یافته است. گفتنی است که این ریشه در باب افعال نیز معنای سیئه را دربر دارد که ۶ بار به صورت فعل ماضی «أساء» و اسم فاعل «مُسيء» آمده، چراکه «أساء» به معنی «عَمِلَ سَوْءًا / سیئه» و «مُسيء» به معنی «الذی یعمل سَوْءًا / سیئه» است.

۳. سوء و واژه‌های اشتقاق یافته از آن در صورت‌های مختلف اسمی و فعلی در چهارحوزه معنایی به کاررفته‌اند: حوزه معنایی اول که بیشتر آیات را دربر می‌گیرد، بیانگر عملی بد است که ارتکاب آن موجب عقاب خدا می‌شود. حوزه معنایی دوم بیانگر پیشامدی ناخوشایند است که موجب بدحالی انسان می‌شود. حوزه معنایی سوم بیانگر مطلق قبح و بدی است و حوزه معنایی آخر برای تبیین حالت است. در این میان «سیئه» تنها در دو حوزه معنایی نخست — «عمل بد با پیامد عقاب» و «پیشامد ناخوشایند» — کاربرد یافته است.

۴. در حوزه معنایی اول (عمل بد با پیامد عقاب)، مجموعاً ۳۹ بار سَيِّء، سیئه و سیئات کاربرد یافته است. مهم‌ترین همنشین‌های سَيِّء / سیئه، در این دسته از آیات به شرح زیر است: مفاهیم «عمل»، «تکفیر»، «امر به / نهی از سوء»، «فاحشه / فحشاء»، «مکر»، «ذنب»، «مجیء»، «جهالت»، «خطیئه»، «کسب»، «تبدیل»، «عفو»، «تجاوز»، «إذهاب»، «اجتراح»، «اراده»، «مقت»، «ظلم به نفس»، «اثم» و «بغی». سیئه بر محور جانشینی با «ذنب»، «منکر»، «ظلم»، «فاحشه»، «خطیئه»، «فساد در زمین» و «کید» قرابت معنایی و با «حسنه / حسن»، «عمل صالح»، «خیر» و «بر» تقابل معنایی دارد. در نتیجه می‌توان سیئه را در این حوزه معنایی این‌چنین تعریف کرد:

«عملی بد و حرام در حق خود یا دیگران است که انسان با اراده خود به‌عمد یا از روی نادانی و گاه به وسوسه شیطان، نفس یا دیگران انجام می‌دهد و انجام آن موجب عقاب در دنیا یا آخرت می‌شود، اما در صورت انجام کار نیک یا توبه عقاب محقق نمی‌شود و گاهی با اراده خدا تبدیل به نیکی و مستوجب رحمت می‌شود». بر این اساس سیئه همه گناهان را دربر می‌گیرد.

۵. در حوزه معنایی دوم (پیشامد ناخوشایند)، مجموعاً ۲۳ بار سینه و سیئات کاربرد یافته است. مهم‌ترین هم‌نشین‌های سینه در این دسته از آیات به شرح زیر است: مفاهیم «إصابة»، «ضرب»، «دفع»، «مس»، «وقایه»، «اراده»، «استعجال»، «بدو»، «قنوط»، «بلاء»، «تبدیل»، «ذهاب»، «کشف»، «ذوق»، «خزی» و «حزن». سینه بر محور جانشینی با «عذاب»، «ضرب»، «مصیبه»، «هلاک»، «شر» و «خوف» قرابت معنایی و با «حسنه/حسن»، «رحمه» و «خیر» تقابلی معنایی دارد. در نتیجه می‌توان سینه را در این حوزه معنایی این‌چنین تعریف کرد:

«پیشامدی ناخوشایند و خارج از اراده انسان است که گاه به خواست خدا و جهت آزمایش و گاه از سوی دیگران یا در نتیجه اعمال شخص برای انسان روی می‌دهد و موجب ناراحتی یا ناامیدی و ترس یا زیان است و در صورت انجام کار نیک خدا آن را برطرف می‌سازد و به انسان رحمت می‌کند.»

۶. با توجه به آنچه آمد، روشن می‌شود کاربردست معناشناسی ساختگرا می‌تواند به طور روشمند و با بررسی جامع روابط مختلف مفهومی یک واژه در سراسر قرآن کریم، ضمن دستیابی به مهم‌ترین مؤلفه‌های معنایی، تعریفی جامع از آن را در نظام معنایی قرآن کریم ارائه دهد. طبعاً بدون چنین نگاهی، مجموعه مفاهیم در پیوند با واژه و تمام مؤلفه‌های معنایی آن شناخته نمی‌شود و در نتیجه تعریف و تفسیر جامعی از آن اصطلاح قرآنی به دست نمی‌آید و جایگاه آن در میان مفاهیم مختلف قرآنی آشکار نمی‌شود.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

ابن سیده المرسی، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *المحکم والمحیط الأعظم*، تحقیق عبدالحمید هندای، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.

ازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱م)، *تهدیب اللغة*، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸ش)، *مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فروزان‌روز.

باقری، مه‌ری (۱۳۷۷ش)، *مقدمات زبان‌شناسی*، تهران: نشر قطره.

- بی‌پروش، مانفرد (۱۳۵۵ش)، *زبان‌شناسی جدید*، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: آگاه.
- پالمر، فرانک (۱۳۹۱ش)، *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- جفری، آرتور (۱۳۸۵ش)، *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، تحقیق فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: مؤسسه دارالهیجره.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالشامیه.
- روبینز، آراچ. (۱۳۷۸ش)، *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران: نشر مرکز.
- رهنما، هادی (۱۳۸۷)، «حوزه معنایی نام‌های گناه در قرآن کریم و نقد ترجمه‌های فارسی بر اساس آن»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۴۷.
- زبیدی، محمد (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، تصحیح مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتاب العربی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۹ق)، *اساس البلاغه*، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸ش)، *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.
- سیدقطب (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.
- سیوطی (۱۴۲۱ق)، *الایقان فی علوم القرآن*، تحقیق فواز احمد زمزلی، بیروت: دارالکتاب العربی.
- شرتونی، سعید الخوری (بی‌تا)، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، طهران: مؤسسه‌النصر.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۴ش)، *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷ش)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع‌البیان*، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب‌عاملی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۴۲۰ق)، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

عشقی، فاطمه (۱۳۹۶ش)، *معنا شناسی «سینه» در قرآن*، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر فاطمه سادات تهامی و مشاوره دکتر محمدعلی خوانین زاده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.

فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فضیلت، محمود (۱۳۸۵ش)، *معناشناسی و معانی در زبان و ادبیات*، کرمانشاه: دانشگاه رازی.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کالر، جانانان (۱۳۹۰ش)، *فردینان دو سوسور*، ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس.

لاینز، جان (۱۳۹۱ش)، *درآمدی بر معنی شناسی زبان*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر علمی.

مختار عمر، احمد (۱۴۲۹ق)، *معجم اللغة العربیة المعاصرة*، قاهره: عالم الکتب.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، قم: دارالکتب الاسلامی.

Crystal, David (1997), *The Cambridge Encyclopedia of Language*, New York: Cambridge University Press.